

«پایتخت ۷» و پیام مهمی که برای مدیران تلویزیون دارد

محسن تنابنده ماجراهای «خانواده معمولی» را در حالی به تلویزیون برگرداند و عنوان رکوردشکن در میزان مخاطب را به خودش اختصاص داد؛ البته یک پیام مهمی هم برای مدیران تلویزیون داشت: تلویزیون مخاطب دارد وقتی بداند از کدام برند و کدام ستارگانش حمایت کند.

بازگشت سریال «پایتخت» پس از چند سال غیبت و حواشی فصل ششم، در وهله‌ی نخست، گامی رو به جلو به شمار می‌رود. چرا که مخاطبان تلویزیون به‌سادگی نمی‌توانند ماجرای نقی معمولی و خانواده‌اش را فراموش کنند. هرچند تغییرات فیزیکی نقی در فصل ششم، ازدواج عجیب رحمت و حتی بازگشت غیرمنتظره بهبود، از جمله مسائلی بودند که نتوانستند رضایت مخاطبان را جلب کنند. در واقع، پس از فصل پنجم و درگذشت خشیار الوند، نویسنده نام‌آشنای این سریال، انتقادها نسبت به «پایتخت» بیشتر شد. البته در جریان پخش ۱۱ قسمت فصل هفتم نیز نقدهایی به تغییرات کاراکترها و حتی فیلمنامه مطرح گردید، اما کماکان «پایتخت» توانسته است شمار زیادی از مخاطبان را دوباره به تلویزیون جذب کند. رکوردشکنی این سریال در میزان مخاطب تلویزیون، آن را به تافته‌ای جدا یافته در میان سریال‌های چندفصله تلویزیون تبدیل کرده است. حتی آن دسته از افرادی که مدت‌هاست به پلتفرم‌های آنلاین روی آورده‌اند، اکنون نیز به تماشای آن پرداخته‌اند. آمار و رکوردهای جدید نشان می‌دهند که بسیاری از مردم کار و زندگی خود را طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که ساعت ۲۲ پای تلویزیون بنشینند. این اتفاق به‌تنهایی دستاوردی بزرگ است و به مدیران تلویزیون نشان می‌دهد که باید از تصمیمات محلی عقب‌نشینی کنند. تلویزیون امروز هم به سلبریتی‌های دیروز نیاز دارد و هم



الوند، نویسنده فقید سریال، به وضوح احساس شده است.

یک اثر کم‌دی زمانی موفق می‌شود که داستانی جذاب و گیرا داشته باشد، چنین مشکلات اساسی است که باید به‌طور جدی به آن پرداخته شود. اگر قرار نبود مهران احمدی در این فصل حضور داشته باشد، چرا در فصل گذشته شخصیت او زنده شد و اکنون دوباره کشته شد؟ چرا؟ البته باید اذعان کرد که تغییر بازیگران سارا و نیکا در دل داستان، به‌طور کلی تصمیمی معقول به نظر می‌رسد. ممکن است در ابتدا نتوانسته باشیم با جایگزینی این دو شخصیت کنار بیاییم، اما اگر از منظر بازیگری نگاه کنیم، سنا حسینی و سونیا حسینی در نقش سارا و نیکا بازی خوبی از خود ارائه داده‌اند. همچنین تغییرات ظاهری فهیمه (سرنین نصرتی) و بسیاری دیگر از تغییرات ظاهری شخصیت‌ها نیز مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

سریال «پایتخت» توانسته است ماندگاری و محبوبیت خود را حفظ کند و تازش‌های صورت‌گرفته برای اصالت‌بخشی به داستان، قابل‌توجه است. اما از فصل پنجم به بعد، خصوصا در «پایتخت ۶»، جای خالی خشیایار

انتخابات اتحادیه چاپخانه‌داران تهران و اقدامات پیش رو

یافته است.

به گفته ابوالحسنی کاهش تعداد اعضای هیئت مدیره به ۳ نفر با وجود اینکه در تصمیم‌گیری‌ها در اجرا دست اعضا را باز می‌گذارد. در انتخابات تصمیم‌گیری را برای اعضا دشوار خواهد کرد چرا که از رسته‌های مختلفی عضو اتحادیه هستند و این محدود شدن تعداد اعضا انتخاب را سخت‌تر خواهد کرد.

ابوالحسنی اظهار امیدواری کرد، اعضای انتخابی برای دوره جدید فعالیت هیئت مدیره اتحادیه از پتانسیل صنف بیشتر استفاده کرده و کارگروه‌های بیشتر و قدرتمندتری در اتحادیه تشکیل دهند.

وی هم‌چنین مهمترین اقدام پیش روی اتحادیه چاپخانه‌داران در دور تازه فعالیت هیئت مدیر را ارتباط و نزدیکی بیشتر با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت صمت دانست و افزود: ما نمی‌توانیم وزارت فرهنگ و وزارت صمت را ارتباط و نزدیکی بیشتر با صنف چاپ تنها در اختیار وزارت ارشاد یا وزارت صمت نیست، چاپ به لحاظ واردات و صادرات و اعتبارات در وزارت صمت وابستگی دارد و از سوی دیگر متولی اصلی چاپ وزارت ارشاد است. هر دوی این وزارت‌خانه‌ها باید پای کار صنعت چاپ باشند و اتحادیه باید با هر دو بخش ارتباط نزدیک بگیرد.

ماجرای «دو نقطه» تلویزیون و آموزش یک ادبیات جدید



که می‌تواند حس زیبایی‌شناسی مخاطب را تقویت کند.

برای جذب نسل جدید به ادبیات کهن، می‌توان اقدامات مختلفی را انجام داد. تولید اپلیکیشن‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و محتوای دیجیتال مبتنی بر متون کهن، می‌تواند جذابیت این آثار را افزایش دهد. ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها و تئاترهای مبتنی بر داستان‌های ادبیات کهن، می‌تواند ارتباط بهتری با مخاطب برقرار کند.

تدریس خلاقانه و تعاملی ادبیات کهن در مدارس و دانشگاه‌ها، می‌تواند علاقه‌مندی دانش‌آموزان و دانشجویان را افزایش دهد. در نهایت، ادبیات کهن فارسی می‌رائی است، که نه‌تنها گذشته ما را روشن می‌کند، بلکه می‌تواند راهنمایی برای آینده باشد، با بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه و نو.

آیا مردم فلسطین «ناصبی» هستند؟



يُفْعَلُ بِالْمُسْتَضْعَفِينَ وَ الثَّلَاةِ وَ الْأَطْفَالِ وَ أَوْلَادِ الْمُسْلِمِينَ الَّذِينَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَ الْخُلَفَاءِ انا نصاب (دشمنان اهل بیت) از اهل قبله، برای آنها شکافی به سوی آتشی که خداوند در مشرق آفریده است باز می‌شود. پس شعله، جرعه، دود و جوشش حمیم تا روز قیامت بر آنها وارد می‌شود، سپس بعد از آن سرنوشتشان به «دوزخ است و در آتش فروخته می‌شوند» (غافر ۷۲) سپس به آنها گفته می‌شود، «کجاست آنچه که به جای خدا شریک می‌پنداشتید؟» (اعراف ۳۷)

یعنی کجاست امامی که به جای امامی محتشنان را خداوند برای مردم قرار داده است، به امامت گرفته بودید؟ و اَمَّا النَّصَابُ مِنْ أَهْلِ الْأَقْلِيَّةِ فَإِنَّهُمْ يُخَذُّ لَهُمْ خُذًا إِلَى الْأَثَرِ الْكَلْبِ خَلَقَهَا اللَّهُ فِي الْمَشْرِقِ فَيَنْخُلُ غَلَّتْهُمُ اللَّهْبُ وَالْثَّرَرُ وَ الثَّخَانُ وَ فَوْزَةُ الْحَمِيمِ إِلَى يَوْمِ الْآخِرَةِ ثُمَّ يُعَذِّبُ ذَلِكَ مَصِيرَهُمْ إِلَى «الْجَحِيمِ» وَ فِي الْأَثَرِ يُشْخَرُونَ» (غافر ۷۲) ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ «إِنَّنِ مَا كُنْتُمْ تُشْكِرُونَ مِنْ نُونِ اللَّهِ» (اعراف ۳۷) أَيَّ آيِنِ إِيْمَانِكُمْ الَّذِي اتَّخَذْتُمُوهُ دُونِ الْإِمَامِ الَّذِي حَطَّلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا.

این روایت به روشنی مرز بین ناصبان یا مستضعفان از اهل سنت را روشن می‌کند. وقتی سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام را در مشاهده می‌کنیم، همین حقیقت را در می‌یابیم. ایشان همواره در پی ایجاد وحدت میان مسلمانان بودند. امام صادق علیه‌السلام به تربیت شاگردان فراوان از مذاهب مختلف، زمینه‌ساز گذشتن محبت به اهل بیت علیهم‌السلام در میان اهل سنت شد. حتی برخی از علمای بزرگ اهل سنت مانند شافعی، با سرودن اشعاری در مدح اهل بیت، تحت فشار حکومت‌های وقت قرار گرفتند و حتی در این مسیر کشته شدند. این رویکرد نشان می‌دهد که دشمنی با اهل بیت یک عقیده عمومی میان اهل سنت نبوده، بلکه بیشتر یک جریان سیاسی حاکم بوده است که غلم آن را ابوسفیان لعنه‌الله علیه و فرزند منحوس او معاویه بر افراشت و حتی خط جریان ناصبی‌گری را پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و اله اشکارا می‌توان متوجه شد؛ همان عده که آتش درب خانه‌ی امیر مومنان و دخت نبی مکرم اسلام برند و آن را به آتش کشیدند و به حضرت زهرا سلام الله علیها بدترین جسارت‌ها را روا داشتند. بر این اساس، تکبیر عمومی اهل سنت یا محروم‌کردن مظلومانی مانند فلسطینیان از کمک‌های انسانی، خلاف سیره اهل بیت علیهم‌السلام و تفرقه‌افکنی در امت اسلام است. وظیفه‌ی شیعیان، تبیین حقایق با منطق و اخلاق اسلامی و تقرب مذاهب است، نه گسترش عداوت‌های کور.

اکنون اگر نتوان روش روشنی بین اکتیو‌های افراطی امثال جریان‌های تکفیری در سوریه – که با انگیزه‌های اموی به کشتار شیعیان و علویان می‌پردازند – با توده‌ی عامه‌ی اهل سنت که از ارتعند اهل بیت هستند و حتی به زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام در عراق و سوریه مشرف می‌شوند، قائل شد، چگونه می‌توان در تحلیل‌های فقهی و اجتماعی به دوری عادلانه دست یافت؟ این در حالی است که بسیاری از علمای اهل سنت در لبنان، عراق و حتی مصر، با حضور بر حرم‌های اهل بیت و نشر معارف شیعی، عملاً فاصله‌ی خود را با جریان‌های ناصبی نشان داده‌اند. این تمایزکردن دقیق، هم در تشخیص دوست از دشمن ضروری است و هم در تعیین تکلیف شرعی نسبت به گروه‌های مختلف؛ چرا که نمی‌توان یکسان با کسی که به حرم سیدالشهدا علیه‌السلام حمله می‌کند و کسی که در همان حرم به زیارت و دعا می‌پردازد، رفتار کرد. سیره‌ی ائمه علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد که آنان میان دشمنان متعصب و عامه‌ی مردم که تحت تأثیر حکومت‌های جور قرار داشتند، تفاوت قائل می‌شدند.

همان‌گونه که امامان شیعه همواره بر وحدت مسلمانان تأکید کرده‌اند، باید با رفتار نیک، چهره واقعی تبیع را به آنان و جهانیان نشان داد و با تبیین‌های صحیح و شایسته، آنها را به‌سوی حق متمایل کردند؛ چه بسا در تاریخ بردهای امیر مومنان مشاهده کرده‌ایم که قبل از اینکه نبرد را آغاز کنند، با خطبه‌هایی آسمانی، عده‌ی فراوانی از مخالفان را جذب لشکر خود کرده‌اند و یا در ماجرای عاشورا، امام حسین علیه‌السلام با خطبه‌های روشنگرانه‌ی خویش سبب جذب مخالفان شده‌اند و زمینه‌ی سعادت‌شان را فراهم کرده‌اند. نباید حقد و کینه‌ی درونی که برآمده از تربیت‌های متعصبانه‌ی برخی محافل مذهبی و خالی از بصیرت است، به سیره‌ی اهل بیت وحی ارتباط داد «و سلام بر کسی که از هدایت تبعیت می‌کند.»

اکنون با سخنرانی‌های مواجهیم که مرز بین ناصبی‌گری با مستضعفان از مسلمانان را هنوز پس از سال‌ها منبر رفتن و مطالعه کردن نتوانستند از بین احادیث معارض تشخیص دهند و با ادعای ناصبی بودن مردم مظلوم فلسطین، هرگونه کمک به آنان را جایز نمی‌دانند.

«ناصبی» به فردی گفته می‌شود که با امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام یا دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام دشمنی آشکار داشته باشد. این دشمنی می‌تواند به صورت انکار فضایل اهل بیت، سبّ و لعن آنان، یا عداوت با شیعیان به دلیل محتشنان یا خاندان رسالت ظهور کند. روایات متعددی از اهل بیت وحی ناصبان را از بدترین افراد دانسته و وعده عذاب شدید اخروی به آنان داده‌اند. قرآن کریم نیز در آیاتی مانند سوره احزاب، آیه ۵۷، به شدت با دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه و اله برخورد کرده، می‌فرماید «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»؛ قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می‌آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می‌کند و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است.

با این تعریف، اکثر اهل سنت امروز «ناصبی» محسوب نمی‌شوند، بلکه بسیاری از آنان به دلایل تاریخی، فرهنگی یا تبلیغات نادرست، از شناخت عمیق اهل بیت محروم مانده‌اند. در روایات شیعه، چنین افرادی «مستضعف فکری» نامیده شده‌اند؛ کسانی که تقصیری در جهلشان ندارند و باید با حکمت و برخورد نیک آنان را به حقایق آشنا کرد. ائمه علیهم‌السلام نیز در طول تاریخ با همین رویکرد، بسیاری از اهل سنت را به محبت اهل بیت هدایت کردند.

متأسفانه برخی با جهل یا سوءنیت، تمام اهل سنت را ناصبی می‌پندارند و حتی کمک به مظلومانی مانند مردم فلسطین را به اتهام ناصبی‌بودن حرام می‌دانند! این در حالی است که عده‌ی فلسطینیان، به ویژه شافعی‌مذهبان، ارادت ویژه‌ای به اهل بیت علیهم‌السلام دارند. وجود مکان‌هایی مانند «خیابان علی بن ابی‌طالب(ع)» در بیت‌المقدس، «مسجد امام حسین(ع)» در الخلیل و مؤسسات فرهنگی مانند «واحة آل‌البیت» نشان‌دهنده این محبت است. در نبرد اخیر غزه و تصاویری هم که در فضای مجازی منتشر شد، مشاهده کردیم هم مردم غزه و هم فرماندهان آنان از جمله یحیی سنوار از مکتب حسینی سخن گفتند. بنابراین تسری دادن ناصبی‌گری به تمام مردم مظلوم فلسطین نهمتی آشکار و در این شرایط حساس منطقه غیر قابل بخشش است.

سوگوارانه اکنون این سخنان را از برخی سخنرانان کم‌سواد می‌شنویم. عالمانی که مرز بین ناصبی‌گری با مستضعفان از مسلمانان را هنوز پس از سال‌ها منبر رفتن و مطالعه کردن نتوانستند از بین احادیث معارض تشخیص دهند. در ادامه، در بین روایت‌های متعددی که وجود دارد، تنها به روایتی از امام محمد باقر علیه‌السلام اکتفا می‌کنیم تا حجت تمام شود:

فرمود: اما این‌ها، در قبرهای خود هستند

و از آن بیرون نمی‌آیند، پس هر کس که عمل صالحی داشته باشد و دشمنی از او

ظاهر نشده باشد، برای او شکافی به سوی بهشتی که خدا در مغرب آفریده است باز می‌شود، پس روح در قبرش تا روز قیامت

بر او وارد می‌شود تا اینکه خدا را ملاقات کند، پس او را به نیکی‌وبی‌ها و بدی‌هایش

محاسبه می‌کند، پس یا به بهشت می‌رود یا به آتش، اینها کسانی هستند که

کارشان به امر خدا موکول شده است. فرمود: و همچنین با مستضعفان، سفیهان،

کودکان و فرزندان مسلمانان که به سن

بلوغ نرسیده‌اند، رفتار می‌شود؛ اَمَّا هَؤُلَاءِ فَأَنْتُمْ فِي خَفَرِهِمْ لَا تَخْرُجُونَ مِنْهَا فَنَنْزِلُ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ وَ لَمْ يَظْهَرْ مِنْهُ عَذَابَةٌ

فَإِنَّهُ يُخَذُّ لَهُ خُذًا إِلَى الْجَنَّةِ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ بِالْمَغْرِبِ فَيَنْخُلُ عَلَيْهِ الرُّوحُ فِي خُفَرِهِ إِلَى

يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ فَيُجَابِسُهُ بِخَشَنَاتِهِ

مِثْلَاتِهِ فَأُلَا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى الْأَثَرِ

فَهَؤُلَاءِ الْمُؤَفَّقُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ؛ قَالَ وَ ذَلِكَ